

#### از هر نظر بی‌ضرر

خوردنی ۵۳۰ میلیون تومانی چطور خورده شد؟

#### خوردنی را باید خورد

● **پوریا عالمی:** رئیس سازمان بازرسی کل کشور: در پرونده‌ای که در یکی از استان‌ها در حال پیگیری است یکی از مدیران استانی بدون حتی یک ساعت مأموریت، ۱۲ میلیاردتومان حق مأموریت و ۵۳۰میلیون تومان پول غذا دریافت کرده است.

ما: سلام، اسم شما چیست؟

ایشان: من آقای رانت بخوریخوریان هستم.

ما: شغل شما چیست؟

ایشان: من شغلم بخوریخور است. یعنی هر جا هرچی باشد می‌خورم مثلاً رانت می‌خورم، ارز دولتی می‌خورم، ال سی را باز می‌کنم بعد می‌خورم، ارز دارو می‌خورم، زمین می‌خورم، خاله می‌خورم، مال مردم هم می‌خورم و...
ما: درباره خوردن مال مردم -یا به‌اصطلاح بیت‌المال -بیشتر توضیح دهید. اصولاً چرا مال مردم را می‌خورید؟
ایشان: من مال مردم را دوست دارم. مثلاً آثار که مال سواه است دوست دارم و می‌خورمش. مال مردم هم خوردنی است پس می‌خورم.

ما: این چه مأموریتی بود که ۱۲میلیاردتومان بابت آن حق مأموریت گرفتید؟

ایشان: مأموریت ناممکن ۳-بود. تهیه‌کننده آن هم کمپانی مهرورزی بود.

ما: دقیقاً توی این مأموریت چه‌کار کردید؟

ایشان: کارهایی را که نمی‌شد کرد ما کردیم. ببینید خیلی کارها هست که همه می‌کنند و حتی مأموریتش ۵۰هزار تومان است. اما وقتی شما کاری بکنی که کاری نباشد و کاری نکرده باشی اما انگار کاری کردی، پس باید خیلی تبحر داشته باشی و ۱۲میلیاردتومان حق مأموریت بگیری.

ما: ۱۲میلیاردتومان چه چیزهایی را در بر می‌گرفت؟
ایشان: هیچی. فقط حق مأموریت بود. ۴۷هزار تومان هزینه بنزین، ۱۸۹۰۰۰ تومان پول بلیت هواپیما و پول هتل و غذا و سنگ‌با را جداگانه دریافت کردم.

ما: چه خوردید که ۳۰میلیون تومان هزینه داشت؟

ایشان: ما هر چیزی بود خوردیم. طوری هم خوردیم که چیزی برای دیگران باقی نماند.

ما: آیا ۳۰میلیون تومان را خودتان تنهایی خوردید؟

ایشان: بله. همماش را خودم خوردم. تا تیش را خودم خوردم و به هیشکی هم ندادم.

ما: آیا خوردن شما حد و اندازه‌ای دارد؟

ایشان: خیر. من تا تیش را بالا نیاورم می‌خورم.

ما: آیا به من هم می‌دهی یک گاز بزنم؟

ایشان: نخیر. مال خودخودمه. اگه قرار بسود از این ریخت‌وپاش‌ها کنم که امورات با مشکل روبه‌رو می‌شد.

ما: رمز موفقیت شما در زندگی چیست؟

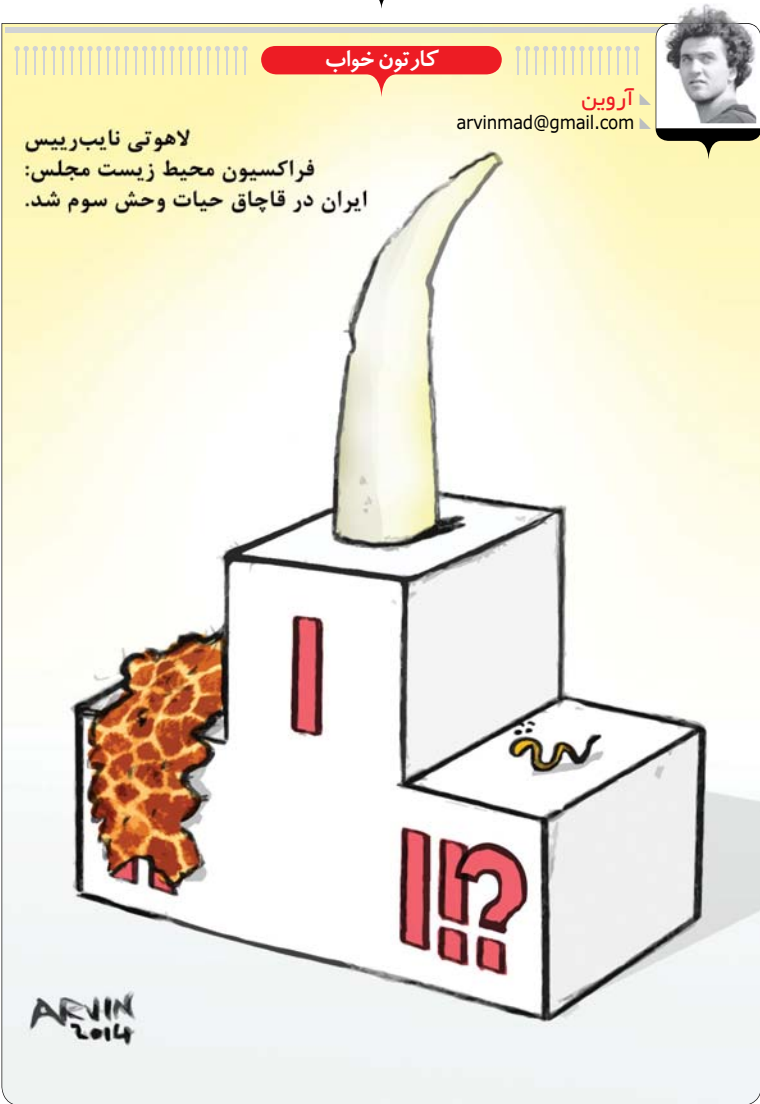
ایشان: خوردنی را باید خورد.

# شرق روزنامه

www.sharghdaily.ir

سه‌شنبه ۱۳ اسفند ۱۳۹۲ ۲ جمادی‌الاول ۱۴۳۵ ۴ مارس ۲۰۱۴
سال یازدهم، شماره ۱۹۶۸ ۲۰صفحه
اذان ظهر تهران ۱۶:۱۲ ۲ اذان مغرب ۲۰:۱۸ ۶ اذان صبح فردا ۵:۰۶ ۶ طلوع آفتاب ۲۹:۰۶

### روزنامه‌فردا



سلام به فردا

آزاده اخلاقی

«آری، من در تمام مدت عمر یک هدف بیشتر نداشتم‌ام و آن این بوده و هست که ملت ایران بتواند مستقل و سرفراز زندگی کند و جز اراده اکثریت هیچ کس بر او حکومت نکند.»

اینجا جملاتی است که دکتر مصدق در آخرین نقشش در دادگاه بر زبان آورد. او هرگز پند مادرش را از خاطر نبرد که در جوانی به او گفته بود «وزن اشخاص در جامعه به قدر شایدهی است که در راه مردم تحمل می‌کنند.» مصدق درباره کودتای سال۳۲ می‌گوید: «کمونیسم را بهانه کرده‌اند که نفت ما را صیدال دیگر هم غارت کنند.

دادگاه نظامی مرا به سس‌سال حبس مجرد محکوم کرد که در زندان لشکر دو زرهی آن را تحمل کردم. روز ۱۲مرداد۱۳۳۵ که مدت آن خاتمه یافت به‌جای اینکه آزاد شوم به احمدآباد تبعید شدم و عده‌ای سرباز و گروهیان مامور حفاظت من شدند. اکنون که سال

مرگ غم‌انگیز مصدق

اهمیت داشت چرا که باور داشت‌م هرچند او مانند کلنل پسپان یا صمد بهرنگی جوانمرگ نشد یا همچون شه‌دای ۱۶آذر و میرزاده عشقی به ضرب گلوله نمرد اما مرگش در ۸۴ سالگی - مصادف با چهاردهم اسفند- در تبعید به همان اندازه تلخ و غم‌انگیز است.

ظلمی که شاه در حق مصدق روا داشتحت حتی جسدش را نیز شامل شد، طوری که برخلاف وصیتش در این‌بابویه و در جوار شه‌دای ۳۰تیر به خاک سپرده نشد و به نمایندگی ملت ایران تنها چندنفر از دوستان و روستاییان احمدآباد جنازه‌اش را تشییع کردند و به خاک سپردند.

او مرد بزرگی بود که خاطره‌اش در ذهن نسل ما و نسل‌های بعد خواهد ماند و آنچه برای ایران کرد هرگز از خاطرمان نخواهد رفت. مشهور است که دهخدا در لحظه مرگ این ابیات حافظ را به یاد دکتر مصدق بر زبان آورد: درد عشقی کشیدم‌ام که میرس / زهر هجری چشیدم‌ام که میرس / گشتم‌ام در جهان و آخر کار / دلبری برگزیدم‌ام که میرس.

گزارش فردا

سعید برآبادی

فردا هشتادوپنجمین سالگرد تولد اخوان است

برزخ «امید» و ناامیدی

رنگ باخته و دیگرگون شده: «خانه خالی بود و خوان بی‌آب و نان / و آنچه بود، آش دهن‌سوزی نبود». این را کاخی تاکید می‌کند و می‌رود سراغ داستان لودانن اخوان که عازم سفر رومانی بوده: «اخوان و شاملو برای یک برنامه ادبی به رومانی دعوت شده بودند، اما ظاهرا یکی از دوستان که بازداشت شده بوده، آنها را لو می‌دهد. می‌افندت در یک زندان و یک سلول و حسابی شکنجه می‌شوند.» بعد اما با ملاحظه سعی می‌کند عمق

رنگ باخته و دیگرگون شده: «خانه خالی بود و خوان بی‌آب و نان / و آنچه بود، آش دهن‌سوزی نبود». این را کاخی تاکید می‌کند و می‌رود سراغ داستان لودانن اخوان که عازم سفر رومانی بوده: «اخوان و شاملو برای یک برنامه ادبی به رومانی دعوت شده بودند، اما ظاهرا یکی از دوستان که بازداشت شده بوده، آنها را لو می‌دهد. می‌افندت در یک زندان و یک سلول و حسابی شکنجه می‌شوند.» بعد اما با ملاحظه سعی می‌کند عمق

دکتر مرتضی کاخی دراز کشیده بر روی تخت، اولین ناامیدی من را به امید بسل می‌کند. می‌پذیرد که از روزهای رفته با اخوان ثالث سخن بگوید، نقبی به خطرات بزند و از شرق، ساروق یادگاری‌هایش را در غرب بگشاید: «در انجمن ادبی خراسان شعر می‌خواند که یکی از بزرگان انجمن به او این نام را پیشنهاد کرد و اخوان به احترام او نا آخر عمرش همین تخلص را برای خود برگزید و این را خودش نوشته در کتاب باغ بی‌برگی.» استاد می‌گوید، اخوان زیاد امیدوار نبوده اگر چه هیچ‌وقت نیز ناامید نشده و مثال می‌زند: «زندگی را دوست می‌دارم/ مرگ را دشمن.» و کلیدواژه دشمن، کاخی را به شعر «مرد و مرکب» اخوان می‌کشاند که شاه را پس از انقلاب موسوم به شاه و ملت اینطور به توصیف می‌نشانند: «مرد و مرکب ناگهان در زرفنای دره غلتیدند» و اشاره می‌کند به هوشیاری اخوان که برای اولین‌بار به پایان یکی از شعرهایش، تاریخ مرقوم می‌کند تا فراموش نشود چه روزی، این شعر را سرود.

اخوان «امید» داشته، «امید»ی که پس از کودتا

اتفاق می‌افتد

شب‌ی برای «منصور یاقوتی»

شرق: فردا در موسسه مطالعاتی رخداد تازه، بزرگداشتی برای نویسنده پیشکسوت «منصور یاقوتی» برگزار خواهد شد. یکی از سخنرانان این جلسه «شهرام اقبال‌زاده» خواهد بود. او درباره «منصور یاقوتی» به «شرق» چنین می‌گوید: «آقای یاقوتی از داستان‌نویسان بنام پیش از انقلاب هستند که دهه ۴۰ و ۵۰ دوره درخشش ایشان بود و آن زمان از نویسندگان بنام بودند و هم‌ده نویسنده‌گانی چون احمد محمود، محمود دولت‌آبادی و علی‌اشرف درویشیان به‌شمار می‌آمدند.» سپس ادامه می‌دهد: «کرمانشاه دو داستان‌نویس برجسته دارد. یاقوتی و الیته علی‌اشرف درویشیان. در این میان نباید «علی‌محمد افغانی» خالق اثر مائای «شوه‌ر آهوخانم» را هم از یاد ببریم.» او درباره اهمیت آثار «منصور یاقوتی» به این نکته‌ها اشاره می‌کند: «مان‌هایی چون «چراغی بر فراز مادیان کوه»، «دهقانان» و «گل خاص» آثار ماندگار این نویسنده هستند. در عین حال ایشان به‌خاطر کارهایی که در حوزه ادبیات کودک

فردا گذرانی

حافظ به حقوق شهروندی» اختصاص دارد که با سخنرانی دکتر محمدحسین ساکت (پژوهشگر، حقوقدان و مترجم) در مرکز فرهنگی شهر کتاب برگزار می‌شود. به‌هر حال جالب است بدانیم حافظ در حوزه رفتار جمعی و ارتباط انسان با اجتماع چه دیدگاه‌هایی دارد.

خبر فردا

● **اعلی‌دهباشی:** از چاپ نودوهشتمین شماره مجله «بخارا» ویژه نوروز همراه با یک‌صد شعر منتشرنشده از شفیع‌ی کدکنی در هفته آینده خبر داد. همچنین در این شماره از مجله، مقاله «داستان زبان مادری» نوشته محمدعلی موحّد و مقاله‌ای منتشر نشده از انجوی شیرازی درباره نوروز چاپ خواهد شد. همچنین بخش دیگری از شماره ویژه نوروز مجله «بخارا» به شرح

● **موسیقی:** فرهاد فخرالدینی، رهبر سابق و بنیانگذار ارکستر ملی پس از سال‌ها دوری از صحنه برای رهبری در ارکستر مهرنوازان به برج میلاد می‌رود و کنسرت می‌گذارد. او اجرای گروه مهرنوازان را فردا ۱۵ اسفند برای دومین‌بار رهبری خواهد کرد. خوانندگی این اجرا برعهده سالار عقیلی است.

● **سینما:** فیلم سینمایی «هامون» باحضور داریوش مهرجویی به‌نفع انجمن حمایت از کودکان کار فردا چهارشنبه در سینماکب پردیس سینمایی قلهک ساعت ۱۲۰اکران می‌شود.

● **نشت:** پانزدهمین مجموعه درسگفتارهای درباره حافظ در روز چهارشنبه ۱۴ اسفند ساعت ۱۶:۳۰ به «نگاه

سالمسونگ
SAMSUNG

قرعه‌کشی بزرگ کولرگازی

زمان جشنواره ۹۲/۱۲/۱ لغایت ۹۳/۶/۳۱
تاریخ قرعه‌کشی اولین دستگاه: ۳ خرداد همزمان با روز آزاد سازی خرمشهر
جهت دریافت اطلاعات بیشتر به سایت www.samservice.com مراجعه نمایید.

مهلّت ارسال مازکد برای قرعه‌کشی اولین دستگاه ۲۰ اردیبهشت

فقط با ضمانت سال  
مرکز تماس: ۰۲۱-۸۲۵۵-۰۲۱ سرویس